



عقاید خاصه شیعه

گرایش فقه و اصول

درس ۲۲

استاد: حجت الاسلام والمسلمین طبسی
آموزشیار: آقای کارگر

مقدمه:

جهت بررسی صحت و فساد ادعای اهل سنت مبنی بر عدالت جمیع صحابه، در درس های قبل، برخی مطالب را بیان کردیم.

در این درس نیز عدالت صحابه را با توجه به مستندات تاریخی بررسی و به عدالت عده ای از آنان (مثل معاویه، مغیره و قدامه) اشکالات اساسی وارد می کنیم.

به منظور تکمیل بحث و رعایت انصاف علمی باید ادله پیروان مکتب خلفا، بر عدالت جمیع صحابه را نیز مطرح کنیم. به همین منظور ابتدا آیات و سپس روایات مورد استدلال را بررسی می نماییم.

آیه اول و نیز اشکال اول بر دلالت آن را در این درس مطرح کرده و ادامه بحث را به درس بعد وا می گذاریم.

بررسی عدالت صحابه در کتب رجالی به تکیه بر مستندات تاریخی

شرح حال برخی از صحابه در کتب رجالی و یا در روایات تاریخی ذکر شده است که با بررسی آن منابع می توان روحیات و صفات آنها را به بدست آورد. عده ای از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله از فرصت مصاحبت با آن حضرت، کمال استفاده را کرده نامی نیک از خود باقی نهادند؛ اما در مقابل، گروهی هم بوده اند که صفحات تاریخ و کتب روایی، از جنایات و اعمال غیر اسلامی و خلاف عدالت آنها لکه درآوردیده و حکم به عدالت ایشان را به افسانه ای شبیه می سازد که شاید نتوان انسان با انصافی را پیدا کرد که این ادعا را قابل طرح بداند. در این بخش، مطالبی را از کتب معتبر اهل سنت می آوریم که نشان از عدم عدالت گروهی از مصاحبین پیامبر است.

معاویه در تاریخ

پرونده معاویه صفحات سیاه و شرم آوری دارد که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

۱. از طرفی در منابع شیعه و سنی نقل شده است که پیامبر (ص) در مورد عمار فرمود: «تقتله الفئة الباغية»^۱ یعنی عمار را گروه متجاوز و فاجر و یاغی بر امام خواهند کشت؛ عمار آنها را به سوی بهشت فرا می خواند اما آنها (از او می خواهند که دست از حق بر دارد و به سوی آنها برود یعنی آنها) او را به سوی آتش دعوت می کنند.^۲ از طرف دیگر عمار یاسر در جریان جنگ صفین و توسط سپاه شام به شهادت رسید.^۳ با توجه به فرموده پیامبر، سپاه شام گروه متجاوز و یاغی هستند که رئیس و فرمانده آنها (که مسئول اعمال سپاه و کشتار توسط آنهاست) معاویه است.

نتیجه اینکه طبق حدیث نبوی، معاویه یاغی و باغی و متجاوز و ستمگر است و دعوت به سوی جهنم می نماید. ۲. در صحیح مسلم آمده است که معاویه، سب علی (و ناسزاگویی به آنحضرت) را رواج می داد و سعد بن وقاص را به خاطر عدم سب علی علیه السلام، سرزنش می کرد؛^۴ در حالی که دشنام دادن به مومن، فسق است.^۱ لذا اگر کسی به دیگری دشنام دهد نمی توان هر دو را مومن دانست (چون مؤمن به مؤمن دشنام نمی دهد).

^۱ بغی ... ای فجر (کتاب العین)؛ البغاة ... جمع باغ و هم الخارجون علی امام معصوم (مجمع البحرین).

^۲ حدثنا مسدد، قال حدثنا عبد العزيز، بن مختار، قال حدثنا خالد الحذاء، عن عكرمة، قال لی ابن عباس و لابنه علی انطلقا الی أبی سعید فاسمعا من حدیثه. فانطلقا فاذا هو فی حائط یصلحه، فاخذ رداءه فاحتبی، ثم انشا یحدثنا حتی اتی ذکر بناء المسجد فقال كنا نحمل لبنة لبنة و عمار لبنتين لبنتين، فرآه النبی صلی الله علیه و سلم فینفض التراب عنه و یقول ویح عمار تقتله الفئة الباغية، یدعوهم الی الجنة، و یدعونه الی النار. قال یقول عمار اعود بالله من الفتن. (صحیح البخاری، کتاب الصلوة، باب التعاون فی بناء المسجد)

^۳ قتل یصفین ... طعنه ابو الغادیة فسقط ثم اکب علیه رجل فاحتز راسه، ثم اختصما الی معاویة ایهما قتله فقال لهما عمرو بن العاص: اندرا فو الله انکما لتختصمان فی النار، فسمعها منه معاویة فلامه علی تسمیعه إیاهما ذلک. فقال له عمرو: و الله انک لتعلم ذلک، و لوددت أنى مت قبل هذا الیوم بعشرین سنة. (البداية و النهایة، ابن کثیر، ج ۷)

^۴ حدثنا قتیبة بن سعید، و محمد بن عباد، - و تقاربا فی اللفظ - قالوا حدثنا حاتم، - و هو ابن اسماعیل - عن یحیی بن مسمار، عن عامر بن سعد بن أبی وقاص، عن ابيه، قال امر معاویة بن ابي سفيان سعدا فقال ما منعک أن تسب ابا التراب فقال اما ما ذكرت ثلاثا قالهن له رسول الله صلی الله علیه و سلم فلن اسبه لان تكون لی واحدة منهن احب الی من حمر النعم سمعت رسول الله صلی الله علیه و سلم یقول له خلفه فی بعض مغازیة فقال له علی یا رسول

۳. معاویه بر خلاف مفاد صلح با امام حسن علیه السلام، برای به قدرت رسیدن یزید برنامه ریزی می کرد و برای او بیعت می گرفت. یزید فردی جنایتکار است که اعمال زشتش صفحات تاریخ را ننگین کرده است؛ از جمله آن جنایات می توان به «شهادت» امام حسین (ع) در کربلا و «قتل عام مردم مدینه و فجایع ناگفتنی در واقعه حره» اشاره نمود.

شراب خواری و لایبالی گری و فسق یزید آنقدر آشکار بود که نمی توان ادعا کرد پدرش (معاویه) بی خبر بوده است!! لذا به قدرت نشاندن چنین شخص پلیدی (و او را خلیفه پیامبر نامیدن) عملی قبیح و غیر قابل توجیه است که معاویه آن را مرتکب شده و خود را در جنایات فرزندش شریک کرده است.

۴. معاویه در زمان حیات علی علیه السلام، بسر بن ارطاة^۲ را والی یمن کرد با اینکه والی منصوب از جانب امیر المومنین علی علیه السلام در یمن حضور داشت. بسر بن ارطاة جنایاتی مرتکب شده که نه تنها با عدالت که با اسلام و حتی با انسانیت سازگار نیست.^۳ چگونه معاویه چنین شخصی خبیثی را به ولایت می گمارد در حالیکه علی علیه السلام والی تعیین کرده بود؟ چرا او پس از آن جنایات مورد توبیخ معاویه قرار نگرفت؟ آیا می توان ادعا کرد که معاویه در آن جنایات شریک نیست؟

الله خلفتني مع النساء والصبيان فقال له رسول الله صلى عليه وسلم اما ترضي ان تكون مني بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نوبة بعدي. و سمعته يقول يوم خيبر لاعطين الراية رجلا يحب الله ورسوله ويحبه الله ورسوله. قال فتناولنا لها فقال ادعوا لي عليا. فأتى به أرمذ فبصق في عينه و دفع الراية اليه ففتح الله عليه و لما نزلت هذه الآية قتل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءكم دعا رسول الله صلى الله عليه وسلم عليا و فاطمة و حسينا فقال «اللهم هؤلاء اهلي». (صحيح مسلم، كتاب فضائل الصحابة، باب من فضائل علي بن ابي طالب رضي الله عنه)

^۱ حدثنا محمد بن بكار بن الريان، و عون بن سلام، قال حدثنا محمد بن طلحة، ح وحدثنا محمد بن المثنى، حدثنا عبد الرحمن بن مهدي، حدثنا سفيان، ح وحدثنا محمد بن المثنى، حدثنا محمد بن جعفر، حدثنا شعبة، كلهم عن زبيد، عن ابي وائل، عن عبد الله بن مسعود، قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم. سباب المسلم فسوق و قتاله كفر. قال زبيد فقلت لابي وائل انت سمعته من عبد الله برويه عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال نعم. و ليس في حديث شعبة قول زبيد لابي وائل. (صحيح مسلم، كتاب الايمان، باب بيان قول النبي صلى الله عليه وسلم. سباب المسلم فسوق و قتاله كفر)

^۲ برخی او را از صحابه می دانند ولی گروهی نیز مخالفند.

^۳ حمله بسر به مدینه و بی حرمتی به اهل آن در مسیر رسیدن به یمن، در تاریخ ثبت شده است؛ اما در اینجا به دو نمونه از جنایات او در یمن (که از سوی معاویه به ولایت آن منصوب شده بود) اشاره می کنیم:

(الاستيعاب، ابن عبد البر، ج ۱، باب حرف الباء باب بسر، بسر بن ارطاة)

۱. ... قال ابو عمر رحمه الله ذلك لامور عظام ركبها في الاسلام فيما نقله اهل الاخبار و الحديث ايضاً من ذبحه ابني عبيد الله بن العباس بن عبد المطلب و هما صغيران بين يدي امهما و كان معاوية قد استعمله على اليمن ايام صفين و كان عليها عبيد الله بن العباس لعلی رضي الله عنه فهرب حين احس ببسر بن ارطاة و نزلها بسر ففضي فيها هذه القضية الشنعاء و الله اعلم.

۲. حدثنا احمد بن عبد الله بن محمد بن علي قال حدثنا ابي قال حدثنا عبد الله ابن يونس قال حدثنا بقي بن مخلد قال حدثنا ابو بكر بن ابي شيبة قال حدثنا زيد بن الحباب قال حدثنا موسى بن عبيدة قال حدثنا زيد بن عبد الرحمن بن ابي سلامة ابو سلامة عن ابي الرباب و صاحب له انهما سمعا اباذر رضي الله عنه يدعو و يتعوذ في صلاة صلاها اطل قيامها و ركوعها و سجودها قال فأسألناه مم تعوذت و فيم دعوت فقال تعوذت بالله من يوم البلاء و يوم العورة فقلنا و ما ذاك قال اما يوم البلاء فتلقتي فتیان من المسلمين فيقتل بعضهم بعضاً و اما يوم العورة فان نساء من المسلمات ليسبين فيكشف عن سوقهن فايتهن كانت اعظم ساقا اشتريت على عظم ساقها فدعوت الله الا يدركني هذا الزمان و لعلكما تدركانه قال فقتل عثمان ثم ارسل معاوية بسر بن ارطاة الى اليمن فسبى نساء مسلمات فاقمن في السوق.

چند صحابی دیگر

۱. مغیره بن شعبه

مغیره صحابی پیامبر بوده است^۱ و باید طبق ادعای گروهی از پیروان مکتب خلفا، عادل باشد اما او امیر المومنین علی علیه السلام را دشنام می داد و در خطبه ها سب می نمود؛^۲ با اینکه در حدیث نبوی آمده اس که «سباب المؤمن فسوق».

۲. نعیمان بن عمرو

صحابی معروف پیامبر است درباره او شرابخواری و عدم التزام به دستورات شرعی نقل شده است.^۳

۳. عمرو بن حبیب

صحابی پیامبر است و از ایشان روایت دارد. معروف به «ابو محجن» است ابن اثیر درباره اش می گوید که در شرابخواری فرو رفته بود و از شلاق و سرزنش مردم ابایی نداشت. عمر (خلیفه دوم) چندین بار او را شلاق زد اما او شراب را رها نکرد. خلیفه دوم او را به جزیره ای تبعید کرد ولی از آنجا گریخت و به نزد سعد بن ابی وقاص رفت و سعد (به دستور عمر) او را زندانی نمود.^۴

۴. عبدالرحمان بن عمر

فرزند عمر (خلیفه دوم) و از صحابه می باشد شراب نوشید و عمر و عاص در مصر برای او حد جاری کرد. وقتی به مدینه آمد عمر نیز (بخاطر تأدیب) او را شلاق زد؛ عبدالرحمان نیز مریض شده و در گذشت.^۵

۵. قدامه بن مظعون

از اولین مسلمانان می باشد و دوبار هجرت کرد و در جنگ بدر نیز حاضر بود (و باید مقام بلندی نزد اهل سنت داشته باشد)؛ اما شراب نوشید و شلاق خورد.^۶

^۱ المغیره ... اسلم قبل عمرة الحديبية و شهدا و بيعة الرضوان و له فيها ذكر وحدث عن النبي صلى الله عليه و سلم (الاصابة، ابن حجر، ج ۶، المغیره بن شعبة بن ابی عامر بن مسعود)؛ من كبار الصحابة اولى الشجاعة و المكيدة شهد بيعة الرضوان (سير اعلام النبلاء، الذهبي، ج ۳، المغیره بن شعبة).

^۲ كان المغیره بنال في خطبته من على و اقام خطباء ينالون منه. (سير اعلام النبلاء، الذهبي، ج ۳، المغیره بن شعبة).

^۳ نعیمان بن عمرو ... شهد العقبة، و بدرأ و المشاهد بعدها، و كان كثير المزاج، يضحك النبي صلى الله عليه و سلم من مزاحه؛ و روى عباد بن مصعب، عن ربيعة بن عثمان قال: اتى اعرابي لى رسول الله صلى الله عليه و سلم، فدخل المسجد و اناخ ناقتة بفنائها ... فنحرها نعیمان، ثم خرج الاعرابى فرأى راحلته فصاح: واعقراه يا محمد! فخرج النبي صلى الله عليه و سلم فقال: من فعل هذا؟ فقالوا: نعیمان؛ ... و كان يشرب الخمر، فكان يوتى به النبي صلى الله عليه و سلم، فيضربه بنعله و يامر اصحابه فيضربونه بنعالهم و يحثون عليه التراب. (اسد الغابة، حرف النون، نعیمان بن عمرو)

^۴ ابو محجن الثقفي، واسمه: عمرو بن حبیب بن عمرو ... روى عن النبي صلى الله عليه و سلم؛ ... كان منهمكا في الشرب، لا يتركه خوف حد و لا لوم. و جلده عمر مراراً، سبعاً أو ثمانياً و نفاه الى جزيرة في البحر، و بعث معه رجلاً فهرب منه، و لحق بسعد بن ابی و قاص و هو بالقادسية يحارب الفرس، فكتب عمر الى سعد ليحبسه فحبسه. (اسد الغابة، كتاب الكنى، ابو محجن الثقفي)

^۵ اصابة، ج ۳، ص ۷۲.

^۶ قدامة بن مظعون كان احد السابقين الاولين هاجر الهجرتين و شهد بدرأ ... قال عبد الرزاق ايضا عن ابن جريج عن ايوب لم يجد احد من اهل بدر في الخمر الا قدامة بن مظعون يعنى بعد النبي صلى الله عليه و سلم. (الاصابة، حرف القاف، قدامة بن مظعون)

ادله اهل سنت بر عدالت جميع صحابه

گروهی از پیروان مکتب خلفاء، ادعا می کنند که جميع صحابه عادلند . به انگیزه این گروه (در چند درس قبل) اشاره کردیم و گفتیم که ایشان برای اعتبار بخشیدن به سنت نبوی صلی الله علیه و آله خود را ملزم به تعدیل همه اصحاب آنحضرت می دانند این ادعا با بسیاری از قرائن و شواهد و دلایل ناسازگار است لذا در صدد پیدا کردن دلیل و شاهی بر صحت ادعای خود بر آمده اند .

طی چند جلسه، ادله مطرح شده آنها را بیان کرده و نقد می نمایم .

استدلال به آیات

علمای مدعی عدالت جميع صحابه، آیات و روایاتی را دال بر گفتار خویش می دانند . ابتدا آیات مطرح شده را بررسی نموده و پس از آن، احادیث را متذکر می شویم .

آیه اول : جعلنا کم امة وسطاً

خداوند در سوره بقره می فرماید : «و کذلک جعلنا کم امة وسطاً لتكونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً»^۱

یعنی این چنین شما را امت میانه رو قرار دادیم تا بر مردم گواه باشد و پیامبر بر شما گواه باشد .

بخاری و ترمذی و نسائی، از ابو سعید خدری نقل کرده اند که :

در روز قیامت از حضرت نوح (ع) پرسیده می شود: آیا رسالت خود را تبلیغ کرده و رساندی ؟ می گوید : بله . قوم نوح را فرا می خوانند و از ایشان می پرسند : آیا نوح شما را تبلیغ (و ارشاد) کرد؟ قوم نوح انکار کرده و می گویند : هیچ مبلّغی به نزد ما نیامد! از نوح پرسیده می شود : شاهد تو بر انجام مأموریت چیست ؟ نوح (ع) می فرماید : محمد صلی الله علیه و آله و امتش شاهدان من هستند . (پیامبر صلی اله علیه و آله فرمود :) آنگاه شما (یعنی امت محمد صلی اله علیه و آله) را فرا می خوانند و شما به انجام رسالت نوح (ع) شهادت می دهید ؛ به همین جهت است که خدا فرموده است: «و کذلک جعلنا کم امة وسطاً...» و «وسط» به معنای «عدل» است . یعنی شما را امت عادل قرار دادیم^۲.

عده ای از علمای اهل تسنن، این آیه را دال بر عدالت جميع صحابه می دانند .

بررسی دلالت آیه

^۱ بقره / ۱۴۳ .

^۲ حدثنا یوسف بن راشد، حدثنا جریر، و أبو اسامة - و اللفظ لجریر - عن الاعمش ، عن ابی صالح، و قال ابو اسامة ، حدثنا ابو صالح، عن ابی سعید الخدری، قال قال رسول الله صلی الله علیه و سلم یدعی نوح یوم القيامة فبقول لیبیک و سعیدیک یا رب . فبقول هل بلغت فبقول نعم. فبقال لامته هل بلغکم فبقولون ما أتانا من نذیر . فبقول من یشهد لک فبقول محمد و امته . فتشهدون انه قد بلغ. فذلک قوله جل ذکره «و کذلک جعلنا کم امة وسطاً لتكونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً» و الوسط العدل . (صحیح البخاری ، کتاب التفسیر، سورة البقرة، باب قوله و کذلک جعلناکم امة وسطاً لتكونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً؛ جاء فی سنن الترمذی - کتاب تفسیر القرآن عن رسول الله صلی الله علیه و سلم - حدیث بهذا المعنی مع اختلاف فی الالفاظ)

این آیه نمی‌تواند ادعای اهل سنت (مبنی بر عدالت جمیع صحابه) را به اثبات برساند. یک اشکال از اشکالات استدلال مدعیان را در این درس و بقیه را در درس بعد مطرح می‌کنیم :

اشکال :

در این که آیه مذکور چه کسانی را مود نظر دارد سه احتمال وجود دارد :

۱. همه صحابه

۲. عدول صحابه

۳. عدول جمیع امت

خطاب نمی‌تواند فقط به صحابه باشد چون در روایات (که خود اهل سنت نیز نقل کرده‌اند) آمده است که پیامبر (ص) فرمود : در نسل های بعد، کسانی خواهند آمد که از صحابه بهتر و افضل هستند؛ و پیامبر ایشان را «برادر» می‌نامند و آرزوی دیدار آنها را دارد .

با توجه به این مطلب، نمی‌توان گفت که مقصود آیه صحابه می‌باشد ولی بهتر از ایشان و افضل از ایشان از آیه خارج هستند! بنابراین عدول مومنین، در قیامت شهادت خواهند داد و هر کس در دایره عدالت باشد (چه صحابی و چه غیر آن) مشمول آیه است .

اگر ادعا شود که خداوند در این آیه می‌فرماید که شما را عادل قرار دادیم؛ جواب می‌دهیم که با توجه به توضیح فوق ، باید همه امت پیامبر (چه صحابه و چه بعد از آنان) ، همگی ، عادل باشند؛ که کسی این مطلب را قبول ندارد؛ لذا باید گفت : عدالت، صفتی است که با زحمت و مراقبت دقیق بدست می‌آید و عنوانی نیست که بدون حساب و کتاب ، به عده ای تفضل شود!

چکیده

۱. در کتب حدیثی اهل سنت روایاتی وجود دارد که از آنها چنین استنباط می شود که همه صحابه عادل نیستند .
۲. در کتب رجالی اهل سنت مطالبی وجود دارد که با اعتقاد به عدالت صحابه سازگار نیست که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد :
 - از پیامبر (ص) نقل شده که عمار را گروهی یاغی می کشند او آنها را به بهشت می خواند و آنها او را به جهنم دعوت می کنند. مصداق این حدیث معاویه و یاران او می باشند .
 - مغیره بن شعبه ، دشنام دادن به علی (ع) را رواج داد در حالیکه سبّ مومن، فسق است .
۳. از جمله آیاتی که برای عدالت صحاب به آن استدلال شده است آیه ۱۴۳ سوره بقره می باشد .
۴. در پاسخ به استدلال به این آیه می گوییم : در این آیه ذکری از صحابه نیامده و در اینکه مراد از امت وسط در آن چه کسانی هستند سه احتمال وجود دارد :
 - الف) تمام صحابه
 - ب) مومنین عادل در هر زمان
 - ج) صحابه عادل